پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۹ – ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۱

فرآیند دولت– ملت سازی در اسرائیل؛ چالشی در مسیر ماندگاری و بقاء

محمد رضا طیرانی شعرباف[۱]
جلال درخشه[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

امروزه حکمرانی مطلوب، در گرو تکمیل هر چه بهتر فرآیند دولت – ملت سازی است. مساله ای که به عنوان چالشی جدی در مسیر بقاء و ماندگاری رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. این رژیم مبنای وجودی خود را بر هویتی خاص و پیچیده بنا نموده که در نگاه اول، این هویت خاص می تواند نقطه قوتی برای بقا و تشکیل یک جامعه محسوب شود؛ اما ویژگی های خاص این هویت بر مبنای نژاد و عدم کثرت جمعیتی آن، برای این رژیم چالش هایی را بوجود اورده است. از سوی دیگر، چندپارگی هسته اصلی شهروندان این رژیم که عمدتا از خارج از مرزهای فلسطین اشغالی به این سرزمین مهاجرت کرده اند، نیز به عنوان چالشی جدی بر سر راه ملت سازی قرار دارد. دولت – ملت سازی در اسرائیل با آسیب های متعدد در حوزه های سیاسی، امنیتی و اقتصادی نیز روبروست. در این پژوهش و به مقتضای موضوع، از روش توصیفی– تحلیلی استفاده شده است. همچنین ضمن مطالعه فرآیند دولت – ملت سازی در اسرائیل و با نگاهی به بافت جمعیتی و هویت جامعه فلسطینیان و یهودیان صهیونیست (شهروندان اسرائیلی)به عنوان جدی ترین چالش، به بررسی ناکامی‌های این رژیم در تکمیل فرآیند دولت – ملت سازی که ادامه حیات و بقاء او را زیر سوال برده است، می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: دولت –ملت سازی، اسرائیل، بقاء، شکاف اجتماعی، هویت، چالش، رژیم صهیونیستی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. MRT.1362@Gmail.com
۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) j.dorakhshah@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

۲. مقدمه

طرح مساله: امروزه دیگر کسی در این گزاره تردید ندارد که ثبات، امنیت، نظم، رفاه، عدالت، وضع و اجرای قانون از کارکردهای دولت ها است و اگر دولتی، روند دولت سازی را به خوبی طی نکرده باشد، بدیهی است که نه تنها پاسخگوی نیازهای جامعه و مردم خود نخواهد بود؛ بلکه به عامل اصلی بی ثباتی، بی نظمی و تنش در میان جامعه، منطقه و حتی جهان بدل خواهد شد. هر بازیگری در نظام بین الملل در تکمیل فرآیند دولت – ملت سازی خود با چالش هایی روبروست. اسرائیل نیز از این قاعده مستثنا نیست. اما ویژگی منحصر به فرد این رژیم آن است که مبنای وجودی او بر اساس هویتی خاص و پیچیده و چالش زا بنا گردیده است. این هویت منحصر به فرد در کنار آسیب های متعدد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، تکمیل فرآیند دولت – ملت سازی و در نتیجه بقا و ماندگاری اسرائیل را با چالش های جدی مواجه کرده است.

هدف: پژوهش حاضر دارای دو دسته از اهداف است . از حیث نظری ارایه دیدگاهی جامع را دنبال می نماید تا بتواند شناخت شفاف تری از نحوه فرآیند و چالش های پیش روی دولت – ملت سازی در رژیم صهیونستی را ارائه نماید. از حیث کاربردی و از آنجاییکه اسرائیل، دشمن راهبردی جمهوری اسلامی ایران است، تقویت توان کارشناسی در این حوزه و کمک به تصمیم گیرندگان برای شناخت چالش ها و اتخاذ سیاست های متقابل علیه رژیم صهیونستی را مد نظر دارد.

اهمیت و ضرورت: با توجه به نقش منفی رژیم صهیونستی در تحولات منطقه و دشمنی مبنایی و مستمر با جمهوری اسلامی ایران , فهم ریشه ای تحولات و چالش های این رژیم دارای اهمیت راهبردی است، چرا که امکان مدیریت و مقابله موثر با آن را به ما می دهد. از طرفی کم توجهی به این موضوع مهم به اتخاذ سیاست های ناقص و یا نادرست در مقابل رژیم صهیونستی منجر می شود که اتلاف منابع را در پی دارد. این مطلب بیانگر ضرورت پرداختن به این موضوع است.

روش: این مقاله از نوع توصیفی – تحلیلی بوده و محققان برای گردآوری داده ها از روش اسنادی و تکنیک کتابخانه ای استفاده نموده اند . البته برای افزایش دقت در داده ها سعی شده از منابع اولیه که به زبان عربی و انگلیسی نوشته شده است استفاده نمایند.

پیشینه: تاکنون تحقیقات زیادی در ارتباط با مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای اسرائیل در قالب

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

کتاب و مقاله و در زبان‌های مختلف منتشر شده است. مسائلی چون جنگ‌ها و صلح‌های اسرائیل با کشورها و گروه‌های منطقه، امنیت داخلی اسرائیل و تهدیدات آن، نفوذ اسرائیل در مناطقی چون آفریقا و آمریکای جنوبی و ... از جمله مواردی هستند که در ارتباط با اسرائیل نگاشته یا ترجمه شده است. بررسی منابع موجود نشان می دهد مطالعات و تحقیقات موجود، بیشتر در حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل و با تاکید بر جنبه سیاست اعلی نگاشته شده و در مورد چالش های اسرائیل از جمله شکاف‌های قومیتی، مذهبی، زبانی و نیز چالش‌های هویتی اسرائیل، کتاب‌ها و تحقیقات اندکی نگاشته شده و جای خالی تحقیق بنیادین در موضوع کنش های این رژیم در عرصه دولت – ملت سازی مشهود است. این تحقیق، کوششی برای پرکردن خلاء پژوهشی این حوزه از تاریخ معاصر ایران و رژیم صهیونیستی است.

در تحقیق پیش رو، ابتدا به توضیح مفاهیم کلیدی دولت – ملت سازی پرداخته شده و در ادامه، ضمن مطالعه فرآیند دولت – ملت سازی در اسرائیل و با نگاهی به بافت جمعیتی و هویت جامعه فلسطینیان و یهودیان صهیونیست (شهروندان اسرائیلی) به بررسی چالش های این رژیم در تکمیل فرآیند دولت – ملت سازی می پردازیم.

۲. دولت- ملت سازی؛ مفاهیم و تعاریف

یکی از مهمترین چالش هایی که نظام بین الملل به ویژه پس از پایان جنگ سرد، با آن روبرو است، دولت های شکست خورده و یا به شدت ضعیف است که عامل اصلی شکست و ناکامی آنها، عدم شکل گیری و یا شکل گیری ناقص روند دولت ملت سازی در این کشورها است؛ چرا که امروزه در سایه شکل گیری روند صحیح دولت – ملت سازی است که یک دولت می تواند از نظم و ثبات برخوردار گردد و کارویژه های امنیت ساز و صلح ساز خود را انجام دهد و از حمایت اکثریت مردم نیز برخوردار گردد.(ابطحی و ترابی، ۱۳۹۶/۱۰، صص ۵۳-۲۷) برخی بر آنند که ریشه اصلی ناامنی ها و بی ثباتی ها در جهان را باید در ضعف و تداوم بحران دولت ملت سازی در بسیاری از کشورها جستجو نمود که در بهترین وجه می توان بر آنها نام شبه دولت یا دولت های پسا استعماری نامید.(زرگر، ۳:۱۳۸۹)

می توان دولت ملت سازی را این گونه تعریف کرد: «دولت ملت سازی روندی است که طی آن یک جامعه سیاسی تلاش می کند از طریق انباشت قدرت و توسعه ظرفیت نهادی،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

خودمختاری، حاکمیت و استقلال خود را کسب، حفظ و ارتقاء دهد. چنین هدفی شدیداً وابسته به افزایش همبستگی و یکپارچگی اجتماعی ملی و ثبات سیاسی به ویژه در مفهوم توسعه نهادهای دموکراتیک است. مقصد چنین روندی، تکامل هرچه بیشتر دولت و ملت و پیوند و نزدیکی هرچه بیشتر این دو است، به گونه ای که نهایتا در نگاه بین المللی، دولت ملت ساختی در هم تنیده و تجزیه ناپذیر در نظرآید، یعنی ملت، دولت را مال خود و از خود بداند.»(زرگر، ۱۱۷:۱۳۸۹)

هردولتی برای کسب استقلال و حفظ تمامیت ارضی خود در وهله اول باید از ثبات سیاسی داخلی برخوردار گردد. برای اینکه حکومت ها بتوانند در داخل از ثبات و مشروعیت برخوردار گردند و به تبع آن، به رشد و پیشرفت در عرصه های داخلی و خارجی نایل آیند، نیازمند ایجاد انسجام ملی هستند. بر همین اساس، تامین حاکمیت ملی و استقلال یک کشور وابستگی زیادی به پیشرفت یکپارچگی و همبستگی ملی و استحکام و تثبیت آن در در یک گستره زمانی دارد (قوام و زرگر، ۲۲:۱۳۸۸). بنابراین، هدف اصلی ملت سازی پیوند دادن عناصرجمعیتی مجزا، درون یک کل واحد از طریق ایجاد وفاداری و هویتهای جدید در سطح ملی است(دوچ، ۱۹۶۴: ۷۳)[1] در این شرایط است که می توان امید به شکل گیری یک ملت منسجم و یک دولت ملی و یک حکومت دموکراتیک در داخل مرزهای یک کشور داشت، چرا که یکی از پیش شرط ها و مولفه های اساسی یک دموکراسی موفق، وجود انسجام و یکپارچگی بین حکومت و مردم است؛ حکومتی که مشروعیت خود را از مردم بگیرد و مردمی که حکومت را برآمده از دل جامعه و پاسخگو به نیازهای جامعه می دانند. در نتیجه پیشرفت روند دولت ملت سازی با پیشرفت دموکراسی ارتباط زیادی دارد. دولت – ملت سازی موفق با حکومت مداری درست در تطابق است و از این منظر، با دموکراسی اشتراک زیادی پیدا می کند(قوام و زرگر، ۳۲:۱۳۸۸).

در حوزه مطالعات روابط بین الملل و با نگاهی سهل و ساده، چهار مولفه اصلی برای دولت – ملت ها در نظر گرفته می شود: جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت. اندیشمندان مختلفی کوشیده اند از این منظر به مطالعه فرایند دولت – ملت سازی بپردازند. محمد ایوب[2] در اثر برجسته خود با عنوان «معضل امنیت در جهان سوم؛ صورت بندی دولت، منازعه منطقه

1. Deutsch

۲. اندیشمند برجسته روابط بین الملل و استاد دانشگاه میشیگان

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

ای و نظام بین الملل» از این مولفه ها بهره برده است. آقایان قوام و زرگر نیز در کتاب خود با عنوان «دولت سازی – ملت سازی و نظریه روابط بین الملل»[1] به ارائه الگویی تحلیلی از روند دولت – ملت سازی پرداخته و آنها را به اختصار در قالب سه دسته کلی الف) اشباع سرزمینی ب) همبستگی و یکپارچگی ملی و ج) ثبات سیاسی طبقه بندی نموده اند. در این پژوهش نیز وضعیت دولت – ملت سازی در اسرائیل بر اساس همین سه شاخصه مورد بررسی قرار می گیرد.

۳. وضعیت دولت – ملت سازی در رژیم صهیونیستی

۳-۱ اشباع سرزمینی

سرزمین در کنار جمعیت، حکومت و حاکمیت می‌تواند هم بعنوان یک منبع اساسی قدرت و هم بعنوان یک منبع آسیب‌پذیری مطرح باشد. اگرچه گفته می‌شود که فن‌آوریهای جدید از اهمیت عناصر جغرافیایی کاسته‌اند، اما حتی در این صورت نیز، مسائل امنیتی کشورها عمدتاً محصول یک جریان تکاملی طولانی از اندیشه‌ها هستند که خواه ناخواه متاثر ازعوامل جغرافیایی است. (حسینی،۱۳۸۲، ۳۲).

اشباع سرزمینی برای یک کشور در گام اول از طریق انباشت قدرت و نمایش و بکارگیری آن برای تثبیت مرزهای ملی و حل مسائل ارضی و مرزی و رفع هرگونه تهدید خارجی نسبت به تمامیت سرزمینی تامین می گردد. همچنین اشباع سرزمینی می تواند نمایشگر حل کلیه مسائل قومی یک کشور و در واقع جلب وفاداری ها به سوی مرکزیت سیاسی واحد باشد. (قوام و زرگر، ۱۳۸۸، صص ۹-۸)

فلسطین اشغالی از نظر موقعیت جغرافیایی ویژگی های مهمی دارد که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را تحت تاثیر قرار می دهد. این سرزمین در شرق نیمکره شمالی و جنوب غربی قاره آسیا در منطقه انتقالی بین آب و هوای استوایی و آب و هوای عرض متوسط قراردارد و جزء خاورمیانه عربی به شمار می رود. (عبداللهی،۱۳۸۱، ۱۷) فلسطین اشغالی از یک سو در قلب منطقه خاورمیانه قرار گرفته که این منطقه با بهره مندی از ذخایر فراوان معدنی و زیرزمینی به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب از موقعیت ممتازی در جهان بر خوردار است و از سوی

1. The Third World Security Predicament: State Making, regional conflict, And the International System.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

دیگر در ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده که محل تلاقی سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا می باشد و نیز به خلیج عقبه دسترسی دارد که یک شریان اقتصادی برای عربستان سعودی، اردن و مصر محسوب می شود. علاوه بر اینها، در قلب ممالک عربی و اسلامی واقع شده و در حقیقت پلی است که کشورهای مسلمان و عرب آسیا را به بلاد عربی و اسلامی آفریقا متصل می کند و راه ارتباطی و محل اتصال جزیره العرب با دریای مدیترانه است.

سرزمین فلسطین، آثار ارزشمند مذهبی و باستانی، بویژه بیت المقدس که مورد توجه میلیون ها مسلمان، مسیحی و یهودی است را در خود جای داده و از جاذبه های توریستی بالایی بر خوردار است. بنابراین، ویژگیهای منحصر به فردی که فلسطین اشغالی دارد، موجب گردیده تا این سرزمین از نظر ژئوپولیتیکی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از اهمیت ویژه ای در منطقه و جهان برخوردار شود و به همین دلیل نیز در طول تاریخ مورد توجه قدرت ها و تمدن های بزرگ بوده است.

۳-۱-۱ آسیب پذیری ها و توانمندی های جغرافیایی

۳-۱-۱-۱ آسیب‌پذیری ها

سرزمین فلسطین اشغالی یک نمونه از کشورهایی است که تاثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت رژیم حاکم، حائز اهمیت است. مجموع «عوامل جغرافیایی» بعنوان یکی از نقاط ضعف رژیم صهیونیستی محسوب می گردد. به عبارت دیگر یکی از عواملی که این رژیم را آسیب پذیر ساخته است ضعف جغرافیای سرزمینی این رژیم می باشد. اهم نقاط ضعف و آسیب پذیری های این رژیم به لحاظ جغرافیایی بشرح ذیل می باشد:

۳-۱-۱-۱-۱ تمرکز در امتداد نوار ساحلی

مساحت فلسطین اشغالی،۱۱% مساحت سوریه و ۲% مساحت مصر است. آنچه که خطر ناشی از مساحت اندک را تشدید می‌کند، تمرکز جمعیت آن (بویژه یهودیان) است که از منطقه شمالی آغاز شده و در امتداد دشت ساحلی از «عکا» تا «اشقلون» ادامه یافته است. دشت ساحلی نه تنها بخش اعظم جمعیت را در خود جای داده، بلکه کلیه مراکز اقتصادی، فن‌آوری، علمی و آموزشی در این ناحیه واقع شده و روشن است که در چنین شرایطی، دفع حملات نظامی خارجی کار ساده‌ای نخواهد بود. به عبارت دیگر تمرکز مراکز مهم اقتصادی، سیاسی، علمی، نظامی در مناطق با تراکم جمعیتی بالا واقع شده است.به همین دلیل است

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

که رژیم صهیونیستی بدنبال انتقال برخی مراکز حساس و مهم خود به منطقه نقب می باشد.

۳-۱-۱-۱-۲ قرار گرفتن در میان کشورهای اسلامی

جغرافیای کنونی رژیم صهیونیستی را حلقه‌ای ازکشورهای مسلمان و عرب پیرامون آن را گرفته‌اند و فشارهای مرزی متعاقب، از جمله محدودیت ها و مشکلاتی است که رژیم صهیونیستی با آن روبرو بوده و این مسئله فشار روانی دیگری برای این رژیم می‌باشد.

۳-۱-۱-۱-۳ عدم برخورداری از عمق استرتژیک

نوار ساحلی باریک رژیم صهیونیستی ژرفای جغرافیایی قابل قبولی ندارد و بیشتر مناطق آن در تیررس توپخانه اردن قرار می‌گیرد و نیز تمام فرودگاه های این رژیم در فاصله ۳ تا ۵ دقیقه‌ای سوریه قرار دارد. تلاش برای خروج از این تنگنای ژئوپلیتیکی منجر به اتخاذ سیاست‌های نظامی تهاجمی و جنگ‌طلبانه شده، بطوری که کوشیده است از شمال، جنوب و شرق به گسترش سرزمین بپردازد و یا اینکه در سال‌های اخیر با خرید زیردریایی‌های با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای، ضمن دستیابی به استراتژی «ضربه هسته‌ای دوم»، درواقع ژرفای راهبردی خود را در سمت غرب و دریا فزونی بخشد. بنابراین فشارهای مرزی وارد شده بر رژیم صهیونیستی و فقدان ژرفای استراتژیک موجب شده تا سرزمین بعنوان یک عنصر منفی در سیاستهای امنیتی و بویژه دکترین نظامی این رژیم عمل کند.(حسینی،۱۳۸۲، همان، ص۳۲ تا ۳۴)

۳-۱-۱-۱-۴ تسلط جغرافیایی سوریه و لبنان بر سرزمینهای اشغالی

کشورهای سوریه و لبنان بلحاظ جغرافیایی در موقعیت برتری نسبت به رژیم اشغالگر قراردارند. بلندی های جولان و جبل الشیخ بعنوان مرتفع ترین عوارض طبیعی منطقه متعلق به سوریه و لبنان است. همین موضوع باعث شده است که رژیم صهیونیستی از بدو تاسیس، تصرف بلندیهای جولان و جبل الشیخ را در دستور کار خود داشته و در طول مذاکرات سازش حاضر به عقب نشینی از این نقاط مرتفع نبوده است.

۳-۱-۱-۱-۵ فقر منابع طبیعی

سرزمین فلسطین اشغالی به لحاظ منابع زیر زمینی و سطحی، میزان بارش(بجز نوار ساحلی) رودخانه های دایمی و پوشش گیاهی مناسب سرزمینی فقیر محسوب می گردد. از سوی دیگر نسبت مطلوبی میان تراکم جمعیت و منابع طبیعی وجود ندارد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

۳-۱-۱-۲ توانمندی ها

۳-۱-۱-۲-۱ دسترسی به آبهای دریای مدیترانه

دسترسی سریع رژیم صهیونیستی به دریای مدیترانه از یک سو و از سوی دیگر عدم عمق سرزمینی موجب شده است که رژیم صهیونیستی همواره بدنبال تقویت حضور خود در دریای مدیترانه باشد. با این وضعیت رژیم صهیونیستی این « فرصت » را خواهد داشت تا از طریق دریای مدیترانه کشورهای بالا دستی خود یعنی سوریه و لبنان و از جنوب نیز مصر را مورد تهدید قرار دهد.

۳-۱-۱-۲-۲ دسترسی به آبهای دریای سرخ و کانال سوئز

یکی دیگر از نقاط قوت جغرافیایی رژیم صهیونیستی، دسترسی به دریای سرخ و کانال سوئز می باشد. باتوجه به برتری قابل ملاحظه نیروی دریایی و سیستمهای موشکی رژیم صهیونیستی، این رژیم در زمان مقتضی قادر خواهد بود ضمن تاثیر گذاری در مناطق یاد شده نسبت به دفع تهدید اقدام نماید

۳-۱-۱-۲-۳ دسترسی سریع به مراکز اصلی کشورهای اسلامی و عربی

رژیم صهیونیستی به جهت موقعیت ژئوپولتیکی و قرارگرفتن در میان کشورهای اسلامی ، به کانونهای مهم و پرجمعیت کشورهای جهان اسلام دسترسی آسان و نزدیک دارد. با توجه به اینکه این رژیم از امکانات پیشرفته نظامی برخوردار می باشد، قادر خواهد بود کشورهای مسلمان همسایه را مورد تهدید قرار دهد.

با توجه به جمیع مطالب فوق الذکر مشخص می گردد که امنیت ملی رژیم صهیونیستی تحت تأثیر منفی عامل جغرافیای سیاسی قرار گرفته و در زمره موانع و چالش های جدی فرآیند دولت سازی اسرائیل برشمرده می گردد. وسعت کم و شرایط ژئواستراتژیکی نامناسب ضمن آنکه حمله سریع و اشغال اسرائیل (سرزمین های اشغالی) را در اختیار همسایگان قرار می دهد، آن را در برابر حملات غافلگیرانه و سریع غیر قابل دفاع می کند. فقدان عمق استراتژیک قابل قبول برای اسرائیل به عنوان یک آسیب‌پذیری استراتژیک مطرح است. بدین منظور فقدان عمق استراتژیک مؤثرترین عامل تشکیل دهنده ای اصول دکترین نظامی اسرائیل به شمار آمده و مهمترین نگرانی امنیتی این رژیم را شامل می شود.(سیوسیک، ۲۰۱۲: ۲۷)[1]

1. Civcik

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

از سوی دیگر ویژگی تصنعی و تحمیلی بودن، اسرائیل را به عضوی غیر عادی و ناسازگار با دیگر کشورهای منطقه و مجموعه دولت هایی که در یک منطقه و در کنار هم به سر می برند، تبدیل کرده است.(ابراهیم نیای، محمد و اسماعیلی زاده، عباس، ۱۳۹۷/۷) از این رو رژیم صهیونیستی نمی تواند خود را با محیطی که در آن به سر می برد منطبق کند و به عضو سازگار با سایر اعضا و اجزای نظام منطقه ای تبدیل شود.

به طور کلی می توان گفت سقوط مهمترین شرکای اسراییل و شکل گیری محیط ناآرام و بی ثبات در مجاورت این رژیم، دولت صهیونستی را با غافلگیری گسترده ای مواجه کرد که حتی هرگز پیش بینی آن را نمی کرد. قدرت جبهه مقاومت و نیروهای آموزش دیده آن عمق استراتژیک اسرائیل را مورد هدف قرار داده است. بسیاری از گروه ها و عناصر جبهه مقاومت در نوارهای مرزی مستقر و به راحتی توان هدف گیری مراکز جمعیتی اسرائیل را دارند. دکترین نظامی این رژیم نتوانسته است امنیت سازی کند و هر روز بر حجم تهدیداتی که موجودیت حکومت یهود را در منطقه خاورمیانه هدف قرار داده اند افزوده می شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۳-۲ یکپارچگی و همبستگی ملی

در فرآیند دولت – ملت سازی، همبستگی و همگرایی اجتماعی در قالب مفهوم ملت واحد از اهمیت فراوانی برخوردار است. در واقع در محدوده ی نظام کشوری ضروری است که کلیه وفاداری ها در قالب یک هویت ملی واحد و پیرامون برخی ارزش ها، نمادها، اسطوره‌ها و منافع مشترک به سوی یک مرکزیت واحد سوق یابند.

۳-۲-۱ هویت دولت و جامعه در اسرائیل

جامعه صهیونیستی اسرائیل، همچون بسیاری از جوامع دارای قومیت‌ها و هویت‌های مختلف است. اما تفاوت این رژیم با سایر دولت‌ها و حکومت‌ها این است که وجود قومیت‌های مختلف در آن سابقه‌ی تاریخی ندارد، بلکه جامعه‌ی جدیدی است که از طریق مهاجرت‌های گوناگون شکل گرفته است. لذا دارای انواع شکاف‌های قومیتی، زبانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی است و از آن رنج می‌برد. پژوهشگران اجتماعی متعددی، به بررسی نوع شکاف ایجاد شده در جامعه اسرائیل پرداخته‌اند که از آن میان می‌توان به سامی سموحا، میخائیل شالیف، معیر یائیش، اسعد غانم و عبدالوهاب المسیری اشاره کرد.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

به عقیده عبدالوهاب المسیری، یهودیان گروه‌هایی هستند که نیروهای استعماری آنها را به کار گرفته و می‌گیرد و هر تلاشی برای مطالعه درباره پدیده سیاسی اسرائیل و یهود، نتایجی غیر دقیق خواهد داشت و معنای آن را نخواهد رساند. چرا که اسرائیل، دولتی است که صهیونیسم آن را به عنوان یک ایدئولوژی و سازمان ملی همپیمان با نیروهای استعماری تاسیس کرده است. نخبگان صهیونیسم هم با همپیمانی‌شان با قدرت‌های استعماری، جامعه مهاجران یهود، احزاب و سازمان‌ها و سندیکاهای آن و حتی طبقه کارگر این سندیکاها و اتحادیه‌ها را ایجاد کردند. (عبدالعالی، عبدالقادر، ۱۳۹۱، ۹۷) اما نویسنده کتاب «رژیم اسرائیل و گسست‌های سیاسی- اجتماعی آن» این دیدگاه را رد کرده و معتقد است که این رویکرد در مرزهایی توقف می‌کند و ان نگاه بسته تاریخی است که بررسی تحولات حاصل از صحنه داخلی را از نگاه پژوهشگر می‌پوشاند. از دیدگاه او این نوع تفسیر، تفسیری کلی و تعمیم یافته است که وقایع جزئی را می‌پوشاند و گفتمانی است که به انزوای فکری می‌انجامد؛ زیرا جایگاه و وضعیت خاصی که برای اسرائیل در نظر می‌گیرد، تا حد افراط پیش می‌رود. (همان،۱۳۹۱، ص ۹۹)

پژوهشگرانی مانند آرن ییفتاخل و سامی سموحا از دیدگاهی انتقادی نسبت به سیاست‌های اسرائیل، معتقدند که شکاف قومیتی بین اعراب و یهودیان به خودی خود از طبیعت نظام سیاسی اسرائیل ناشی می‌شود که سیاست‌های تبعیض‌آمیزی را بر ضد اعراب در پیش گرفته است.

هدف از این سیاست‌ها سیطره بر منابع اعراب و استقلال فرهنگی‌شان و عدم به رسمیت شناختن آنها به عنوان گروهی قومیتی و فقط به عنوان یک اقلیت است. این سیاست‌ها نظام اسرائیل را از فعالیت دموکراتیک و مدل های دموکراسی غربی دور می‌کند. گفتمان های رسمی اسرائیل که بر دانشگاه‌ها و محافل پژوهشی غالب است، در ترویج این سیاست بسیار موثرند. بر طبق این سیاست، نظام سیاسی اسرائیل از ابتدای شکل‌گیری تاکنون تلاش کرده است تا بر این اساس که دولت اسرائیل دولتی یهودی است، سیاست‌های مغرضانه‌ای بر ضد اعراب در پیش گیرد. این مطلب از خلال بسیاری از قوانین که بر یهودی بودن دولت اسرائیل تاکید دارند، آشکار می‌شود.(سامی سموحا،۲۰۰۱:۳۵))[1]

سامی سموحا معتقد است که نظام حاکم بر اسرائیل، دموکراتیک نژادپرستانه است؛ یعنی

1. Sammy Smooha

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

علیرغم سیاست‌های نژادیش، جنبه دموکرات بودنش را نیز حفظ می‌کند. به اعتقاد وی، اگر نژادگرایی اسرائیل را ۸۰ درصد در نظر بگیریم، دست کم در داخل گروه‌های یهودی، نوعی دموکراسی اجرا شده و نهادهای دموکراتیکی وجود دارند. اما به هر صورت، به علت وجود معیارهای تبعیض و محدود کردن فعالیت‌ها برای اعراب، مانند محدود و کم بودن نمایندگان اعراب در مناصب بالای جامعه، منع آنها از بسیاری از مناصب سیاسی و اداری مهم و وابسته نگه داشتن اقتصادی و فرهنگی آنها، جنبه‌های دموکراتیک این دولت افوچل می‌کند. اسرائیل، نظامی است که در آن اصل امت یا قومیت نسبت به دولت و جامعه مدنی در اولویت قرار می‌گیرد. علیرغم آنکه برخی حقوق سیاسی و مدنی به اقلیت عرب جامعه داده می‌شود، اما همین حقوق هم محدود و مشروط به منافع گروه اکثریت است.(سامی سموحا، ۱۹۹۰، ۴۱۲-۳۸۹)[1]

اما در مقابل نویسندگانی چون آرن ییفتاخیل و اسعد غانم و... معتقدند که اسرائیل دولتی نژاد سالار است، نه دموکراتیک و حقوق شهروندی در این نظام مشروط به وابستگی به یک قوم، نژاد، دین یا زبان است؛ آن گروه نژادی بر دستگاه‌های دولتی تسلط دارند و از این رو سلطه خود را بر بقیه گروه‌های نژادی حفظ و تأمین می‌کنند. از دیدگاه آنها «جنبه نژادی رژیم اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی به طور ریشه‌ای با دموکراتیک بودن یک دولت که در آن برابری بین تمام شهروندان یک اصل اساسی است، در تعارض است». (اسد غانم، ۲۰۱۰: ۱۶)[2]

اسراییل اکنون در پهنه درونی با شکاف‌ها و ستیزه‌های اجتماعی و طبقاتی و در پهنه منطقه‌ای و بین‌المللی با دگرسازی‌ها و خصومت‌سازی‌های شدید و فراوانی روبه‌رو است. این موارد به اندازه‌ای پررنگ و جدی هستند که در درازمدت حتی می‌توانند ارکان این جامعه سیاسی را نابود نمایند. بر اساس یکی از نظریات جامعه‌شناختی در مورد شکاف‌ها، شکاف‌ها در جامعه می‌تواند سه حالت داشته باشد: تقویت کننده، متداخل و برخورد کننده و تضعیف کننده.(نوریس، ۱۳۸۸: ۳۶)[3]

شکاف‌های موجود در جامعه‌ی صهیونیستی عمدتاً منجر به تقویت یکدیگر می‌شوند؛ به این معنا که مثلاً شکاف بین یهودیان میزراحی و اشکنازی، صرفاً شکافی زبانی یا فرهنگی نیست، بلکه این شکاف فرهنگی در چارچوب دولت اسرائیل منجر به ایجاد شکاف‌های

1. Sammy Smooha
2. Asad Ghanem
3. Nourise

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

دیگری چون شکاف سیاسی، شکاف اقتصادی و شکاف طبقاتی شده است. به عبارت دیگر اشکنازی‌ها عموماً به دلیل رویکرد خود برتر بینانه‌ی خود، از نفوذ گسترده یهودیان شرقی در نهادهای سیاسی و اقتصادی جلوگیری کرده‌اند. از سوی دیگر شکاف بین یهودیان سکولار و یهودیان مذهبی نیز صرفاً شکافی دینی نیست، بلکه این شکاف باعث شده است که اشکنازی‌های سکولار تا جایی که توان دارند از ورود مفاهیم دینی و نیز ورود دینداران به عرصه‌ی سیاست جلوگیری کنند. این ممانعت‌ها باعث شکاف‌هایی در سطح اقتصادی و سیاسی نیز شده است. در هر دو دسته، سیاست‌های دولت باعث شده است که افراد هر جریان در مورد هویت خود دچار دوگانگی شوند. آنها از سویی خود را اسرائیلی می‌دانند و از سوی دیگر برای رسیدن به حقوق خود باید هویت پیشین خود را بازیابی کنند و اقدام به انسجام اجتماعی در میان خود نمایند. یکی از ابزارهای دولت صهیونیستی برای مهار این شکاف‌ها، دشمن‌سازی است؛ به نحوی که با ایجاد یک دشمن فرضی یا واقعی، انشعابات مختلف داخل اسرائیل حول یک محور به وحدت می‌رسند و چالش‌های موجود بین آنها تضعیف می‌شود.

از سویی دیگر، اعراب اسراییلی که به عنوان شهروند درجه دوم در این سامان سیاسی زندگی می‌کنند، بزرگ‌ترین معترضان وضعیت موجود هستند. اعراب اسراییل که در آغاز نزدیک به ۱۶۰ هزار تن از فلسطینیان بودند که کوچ نکرده و تابعیت اسراییل را گرفتند، اکنون نزدیک به ۲۰ درصد جمعیت را دارا هستند. نرخ رشد جمعیت بالای آنها نسبت به یهودیان، تقریبا دو برابر و جوانی جمعیتشان در درازمدت می‌تواند اسراییل را با نارسایی‌ها و تحولاتی جدی روبه‌رو سازد.

۳-۳ ثبات سیاسی در اسرائیل

دولت – ملت سازی فرایندی است در جهت نیل به قدرت. حال اگر در کشوری ثبات سیاسی به نحو مطلوبی تامین نگردد، بی گمان یکی از شرایط اولیه و اساسی نیل به چنین قدرتی دچار نقصان بوده و روند دولت – ملت سازی بالطبع با رکود و مشکل مواجه است. ثبات سیاسی را می توان از منظر توسعه اقتصادی، چگونگی نهادسازی سیاسی و کارایی نهادهای نظامی مورد بررسی قرار داد. این نهادهای سیاسی را می توان در عینی ترین مورد(از منظر سخت افزارانه) در نهاد ارتش و وضعیت قدرت نظامی یا همان جنبه بارز سنتی دولت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

ها(ایوب، ۱۳۸۱، ۵۱۱-۵۰۳)، پیشرفت در کاربرد زور(در صحنه داخلی و روابط بین المللی) و از لحاظ نسبتا غیرملموس(از منظر نرم افزارانه) در پیشرفت شاخص های دموکراسی و نهادهای دموکراتیک همچون افزایش مشارکت سیاسی، شایسته سالاری، برابری شهروندی و ... مشاهده کرد.(کاگناس، ۲۰۰۷: ۲۹)[1]

۳-۳-۱ توسعه اقتصادی

اسرائیل، همانند سایر بازیگران عرصه نظام بین الملل همواره بدنبال بکارگیری راهبرد مناسب جهت تثبیت و بقای خود بوده است و عامل اقتصادی از مهمترین راهبردهای این بازیگر تلقی می‌گردد. بر اساس این راهبرد، «صلح و همکاری اقتصادی» در چارچوب ایجاد نظام منطقه ای پیگیری می‌گردد. این راهبرد علاوه بر تقویت نظام اسرائیل، بر توسعه روابط اقتصادی تاکید می ورزد.

در ابتدای تشکیل دولت صهیونیستی و در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی به علت پرداخت های زیاد شکل رشد سالانه اقتصادی این رژیم در طول ۱۲ سال حدود ۱۰ درصد بود. سال ۱۹۶۷ و کمی قبل از آغاز جنگ شش روزه، این رژیم به علت تولید اضافه بر نیاز دچار کساد و رکود شد اما بعد از جنگ و با گسترش سرزمین های اشغالی و ایجاد بازارهای جدید، این دوره رکود نیز پایان یافت . در جنگ ۱۹۷۳ به علت افزایش هزینه های جنگ نسبت میان واردات و صادرات به مقدار قابل توجهی تغییر یافت و منجر به تورم و کاهش ارزش پول این رژیم شد در سال ۱۹۸۳ میلادی با شکل گیری بحران بورس و کاهش ارزش سهام در یک روز , میلیاردها دلار ضرراقتصادی ایجاد شد اما با کمک های آمریکا و سیاست های اقتصادی این کشور , رژیم صهیونستی توانست در سال ۱۹۸۵ میزان تورم خود را کاهش داده و در سال ۱۹۹۰ به رشد اقتصادی ۶ درصد برسد در دهه ۹۰ میلادی و در فضای کنفرانس صلح مادرید و روند صلح و همچنین مهاجرت های گسترده از شوروی به سمت سرزمین های اشغالی و اقتصاد اسراییل به ثبات رسید. با آغاز انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ میلادی , یک دهه رشد اقتصادی رژیم صهیونستی متوقف شد و ارزش شکل در برابر دلار کاهش یافت در سپنامبر ۲۰۱۰ اسراییل به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیوست و با اتحادیه اروپا و امریکا و ترکیه و مکزیک و کانادا و اردن و مصر توافقنامه تجارت آزاد را امضا کرد در سال

1. Kagnas

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

۲۰۱۲ اسرائیل در رتبه بندی شاخص توسعه انسانی توسط سازمان ملل رتبه ۱۶ از ۱۸۷ را کسب کرد. در سال ۲۰۱۴ به علت حمله این رژیم به غزه , تولید ناخالص ملی این کشور به میزان ۴ درصد کاهش یافت . اقتصاد اسراییل دچار مشکلاتی از جمله بدهی خارجی و بیکاری نیز می باشد. (اشتیوی،۲۰۱۴: ۴۹)[1] براساس گزارش اداره بیمه اسراییل حدود ۱۹ درصد اسراییلی ها در فق زندگی می کنند که این میزان در میان اعراب حدود ۵۱ درصد است.

در سال های اخیر این رژیم از سیاست اقتصاد آزاد پیروی کرده و آن را شیوه ای برای پیشرفت می داند. در ابتدای اشغال فلسطین اشغالی، به واسطه پشتیبانی انگلیس(قیم فلسطین)، سرازیر شدن سرمایه های یهودیان ثروتمند به این سرزمین و استفاده از آن در بخش تولید، اقتصاد این رژیم از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار گردید، به شکلی که تولید ناخالص ملی آن هر پنج سال، دو برابر می شد، در حالی که تعداد جمعیت یهود، هر هشت سال به دو برابر افزایش می یافت. این تحول به معنای رشد اقتصادی آنان بوده، که به تدریج به برتری اقتصادی یهودیان بر اعراب فلسطینی انجامید. این رشد اقتصادی، رژیم صهیونیستی را بر آن داشت تا به تأسیس ارتشی مجهز و آماده به جذب مهاجران و تأسیس سازمان های جدید حکومتی از جمله: مراکز درمانی، بانک مرکزی، بیمه، رادیو و ... دست بزند.

تولید ناخالص ملی اسراییل دربازه سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ رشدی ۱۸,۷ درصدی و ارزش شکل در مقابل دلار نیز رشدی ۲۶ درصدی را تجربه کرده است . همچنین آمارهای اقتصادی نشان می دهد که اقتصاد اسراییل دربازه ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ وضعیت بهتری را نسبت به بازه سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ داشته است یکی از عوامل این رشد اقتصادی، افزایش بهره وری و سرمایه گذاری در فناوری عنوان شده است. با این وجود، اسرائیل با آسیب ها و چالش هایی جدی در زمینه اقتصاد و انرژی روبروست که در ادامه به آنها اشاره می گردد:

الف. بحران آب و انرژی:

اسرائیل آب و هوای خشک و بیابانی دارد و فقط شمال آن دارای آب و هوای مناسب است. در مجموع به ندرت هوای آن ابری و بارانی می‌شود. % ۸۰ منابع آب اسرائیل از منطقه شمال آن تأمین می‌شود در حالی که ۶۵% اراضی کشاورزی و بزرگ‌ترین شهرهای آن در جنوب قرار دارند. کل منابع طبیعی داخلی تجدید پذیر اسرائیل به طور سالانه از آب

1. Shteevi

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

شیرین ۰/۷۵ میلیارد متر مکعب است . این یعنی تقریباً ۲۶۵ متر مکعب برای هر فرد در سال . این رقم به وضوح زیر تعریف فقر آبی از سوی U.N است که کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب به ازای هر نفر در سال می باشد[1]

رودخانه بـانیاس، از دیـگر مـنابع اصلی تأمین آب اسرائیل است کـه از خـاک سوریه سـرچشمه می‌گیرد و دیگر رودخانه، حاصبانی است که از لبنان سرازیر می‌شود.سومین رودخانه دان است که آب هرسه رود به دریاچه کینرت که مهمترین منبع آب شرب اسرائیل است سرازیر می‌شود.بدین ترتیب حیات اسرائیل به منابع آبی مـناطق مـرزی از جـمله دریاچه طبریه،رود اردن،یرموک وبانیاس و مناطق اشغالی کرانه باختری و جنوب لبنان وابسته است و اسرائیل درحـال حاضر بدون تسلط براین آب‌ها به ادامه حیات خود قادر نیست. (بسکمر،۱۹۹۸، ۲۶-۱۹)[2] در اسرائیل هیچ رود دائم وجود ندارد و تنها رود اردن آن هم بعد از جنگ ۱۹۶۷ در مرز مشترک سوریه، اردن و اسرائیل وجود دارد. به این جهت این کشور یـکی از مـناطق خشک و کم‌آب منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود.

مرزی بودن تمامی منابع آبی اسرائیل زمانی بیشتر واجد اهمیت می شود که بدانیم طول مرزهای اسراییل (خشکی و آبی) ۱۲۹۰ کیلومتر است که از این مقدار، ۱۰۱۷ کیلومتر مـرزهای خـشکی و ۲۷۳ کیلومـتر مرزهای آبی در کنار دریای مدیترانه را شامل می‌گردد.با مقایسه طول مرزهای اسراییل و جمهوری اسلامی ایران،مـشخص مـی‌شود بـا وجود آنکه وسعت ایران ۸۰ برابر اسراییل است،اما طول مرزهای ایران تنها ۷ برابر آن می‌باشد(۸۵۵۰ کیلومـتر). این وضعیت به لحاظ امنیتی، اسراییل را در برابر هسمایه‌های آن بسیار آسیب‌پذیر مـی‌کند؛زیرا در پهـن‌ترین بخش تنها ۱۱۸ کیلومتر پهنا دارد و در بسیاری از نواحی پهنای آن به زحمت از ۶۰ کیلومتر فراتر می‌رود.از سـوی دیگـر،کشـیدگی نوار غزه در امتداد دریای مدیترانه به درون اسراییل و موقعیت جغرافیایی سرزمین کرانه غربی رود اردن در مرکز سرزمین‌های اشغالی این آسـیب‌پذیری را تـشدید می‌کند.

بدون شک تغییرات آب و هوایی در سالیان آینده موجب افزایش دما در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی می‌شود و این امر موجب کم آب شدن رودهای فصلی منتهی به مدیترانه

1. www.israel's Water Challenge Stratfor.htm
2. Beskemer

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

بر اثر بارش باران کمتر خواهد شد.(دوچ،۲۰۱۲،۳۳)[1] خشکسالی های متعدد در طول دوره ۱۵ سال گذشته موجب آسیب پذیری منابع آب اسرائیل شده است. در همین حال استفاده بیش از حد از منابع آب زیرزمینی بویژه از آبخوان های ساحلی کیفیت آب را تخریب کرده است. از سوی دیگر افزایش روزافزون جمعیت میزان مصرف آب را هر روز بیش از پیش می‌سازد.

اسرائیل از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۴۸ به گسترش تمامی منابع آب موجود قابل بازیابی اقدام کرده است.بهره‌برداری مداوم و بیش ازاندازه، اسرائیل را با کمبود آب،افزایش ذخایر آب از طریق منابع حاشیه‌ای،بازیابی آب مصرف شده،شیرین کردن آب و واردات آن وادارکرده است.[2]

اکنون اسراییل در شرایطی است که اکثر منابع موجود آب‌را به مصرف می‌رساند. اختلاف با سوریه بر سر بلندی‌های جولان و منابع آب همچنان ادامه دارد و این دو به واسطه اصرار اسراییل بر تداوم تسلط بر سرچشمه‌های رود اردن و دریاچه طبریه(جلیله)نتوانسته‌اند به توافقی جامع دست یابند.از سوی دیگر،اسراییل با تشکیلات خودگردان فلسطین بر سر چگونگی بهره‌برداری از سفره‌های آب زیرزمینی در کرانه غربی که به سرعت رو به اتمام است، اختلاف دارند(حمیدی نیا،۱۳۹۰،۴۰) روند ازدیاد جمعیت اسرائیل و میزان طبیعی افزایش منابع آب، تغییرات آتی آب و هوایی کره زمین و خشکسالی سال ۲۰۱۶ که بر دریای جلیله تاثیرات فراوانی برجای گذاشت از چالش های اسرائیل در حوزه آب می باشد.

ب. اسرائیل به مثابه دولتی رانتیر

دومین مشکل اسرائیل در عرصه اقتصادی مشکل رانتیر بودن نظام اقتصادی این کشور است البته نه به سبکی که مثلا در عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس وجود دارد. چراکه آنها وابسته به یک نوع درآمد(نفت) هستند که این درآمد در داخل برای آنها کسب می گردد اما برای اسرائیل از این جهت صدق می کند که این کشور هم وابسته به یک درآمد عمده می باشد که مستقیما از خارج به اسرائیل می آید و آن کمکهای بی حد و حصر آمریکا به این رژیم است(اسلامی،۱۳۸۸:۳۴۶)، بدین گونه که اگر آمریکا کمک های اقتصادی اعم از اعطای وامهای بلا عوض و یا وامهای با سود ناچیز وبا بهره های طولانی،

1. Deutsch
2. www.reedahg.gro/etis

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

صدور بنزین مجانی به اسرائیل و کمکهای تسلیحاتی که از بار کردن هزینه های سنگین بر دوش دولت می کاهد و جمع آوری اعانات توسط لابی آیپک و راست های مسیحی و... به این کشور را قطع کند، بلافاصله موجودیت اسرائیل به خطر می افتد لذا این وابستگی به آمریکا برای اسرائیل همواره یک خطر جدی و استراتژیک به شمار می آید منتها با توجه به ساختار داخلی اقتصادی این کشور راهی جز این پیش پای خود ندارد و ذاتا تبدیل به یک دولت رانتیر گشته است.

ج. تاثیرات انتفاضه و بیداری اسلامی بر اقتصاد اسرائیل

رشد اقتصادی هر کشوری نیازمند وجود شرایط سیاسی و امنیتی مناسب و آرام است. وضعیت باثبات و آرام، تاثیر مستقیم بر رشد اقتصاد و سرمایه گذاری های محلی و منطقه ای دارد. وقوع انتفاضه و ناآرامی ها در مناطق فلسطینی و ایجاد تنش و بحران در منطقه، منجر به کاهش چشمگیر حجم سرمایه گذاری های خارجی در اسرائیل شده است. به عنوان مثال بر اساس گزارش سالیانه بانک مرکزی دولت صهیونیستی میزان خسارت هایی که در جریان انتفاضه یعنی از سپتامبر سال ۲۰۰۰ به اقتصاد رژیم صهیونیستی وارد آمده است به ۷ تا ۸/۵ میلیارد دلار رسید که این میزان هشت درصد کل تولید ناخالص ملی این کشور را شامل می شود و نیز میزان حداقلی خسارت وارده به این رژیم ۲۰ میلیارد دلار ذکر شده که خسارات فشار سنگینی را به اقتصاد بیمار اسرائیل تحمیل کرد.(جنتی؛ ۱۳۸۴، ص ۱۲۲) در مجموع رژیم صهیونیستی تنها در دهه اول سال ۲۰۰۰ میلادی، دو جنگ را پشت سر گذاشته که همین امر و موضوعاتی شبیه به آن، به بی ثباتی و ناآرامی اقتصاد اسرائیل منجر شده است.

بطور خلاصه می توان در بیان علل اصلی ضعف در رشد نرخ اقتصادی، صنعتی و رفاهی این رژیم به موارد ذیل اشاره نمود:

۱)- عدم امنیت و سرمایه گذاری که تقریبا همیشه در حال جنگ و درگیری با مردم فلسطین و کشورهای منطقه داشته و همیشه درصد بالایی از درآمد ملی را صرف امور دفاعی کرده است.

۲)- سرزمین های اشغالی بطور نسبی بزرگترین منطقه مهاجرپذیر جهان بوده و بخش مهمی از مهاجران تازه وارد برای اسکان و تأمین رفاه خود با مشکلات فراوانی روبرو است.

۳)- با وجود درآمدهای بالا و کمک های فراوان از کشورهای دنیا از نظر ثروت ملی،

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

منابع طبیعی و معادن، جزو فقیرترین مناطق جهان است که حتی برای تأمین نیازهای آبی خود، واردات آب دارد.

۳-۳-۲ قدرت نظامی و امنیتی

استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی عبارت است از بکارگیری مجموعه ای از ابزارهای سیاسی و نظامی در جهت تحقق اهداف صهیونیسم براساس طرح های از پیش تعیین شده. استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی در آغاز فقط یک سلسله آرزوهای نهفته در اذهان یهودیان بود که این آرزوها به تدریج به یک عقیده تبدیل شده و سپس شکل استراتژی و تاکتیکی به خود گرفت و در زمینه اهداف خود هیچگونه تغییر نیافته است. این استراتژی در غایت خود بدنبال ایجاد دولت صهیونیستی در سرزمین مورد اذعان خودشان «یعنی از نیل تا فرات»و سپس تسلط بر تمامی جهان می باشند. با توجه به دغدغه های متعدد امنیتی موجود در اسراییل، نهادهای نظامی و امنیتی از جایگاه فوق العاده ای در این رژیم برخوردار هستند. در این بخش و با توجه به ضرورت فهم نقش نهادهای نظامی و امنیتی در فرآیند دولت ملت سازی، به بررسی ساختار نظامی و امنیتی این رژیم می پردازیم.

۳-۳-۲-۱ ساختار نظامی و امنیتی اسرائیل

براساس «قوانین پایه» اسراییل، نیروهای مسلح این رژیم تحت نظارت دولت قرار دارند، بالاترین سطح فرماندهی نیروهای مسلح اسرائیل, رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح است که توسط وزیر دفاع و از میان فرماندهان عالی نظامی انتخاب می شود و در نهایت نیز تابع وزیر دفاع است این سلسله مراتب بدین منظور طراحی شده است که نیروهای نظامی، توسط مسئولان دولتی کنترل شوند. در سال های ابتدایی تاسیس رژیم صهیونیستی, ساختار نظامی اسراییل دارای درجه ای از استقلال بود و این استقلال نیز توسط «بن گوریون» به آنها اعطا شده بود، به صورتی که رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح به صورت مستقل(و نه زیر مجموعه وزارتخانه ای) در جلسات کابینه شرکت می کرد. ستاد مشترک نیروهای مسلح وظیفه طراحی، آماده سازی و نظارت بر ارتش نیروهای دریایی و هوایی (که با نام نیروهای دفاع اسراییل شناخته می شود.) را بر عهده دارد.(ای-گندی، ۲۰۱۰: ۷۱-۷۰)[1]

علاوه بر نهادهای نظامی، چند ساختار اطلاعاتی مهم نیز در اسراییل وجود دارد که با

1. EI-Gendy

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

توجه به دسترسی مطلق آنها به اطلاعات، در تصمیم سازی در حوزه های سیاست داخلی و خارجی این رژیم تاثیر زیادی دارند. موساد و شاباک دو نهاد اطلاعاتی برجسته در اسراییل است. ماموریت اصلی موساد, مراقبت و جاسوسی در خارج از اسراییل و جلوگیری از عملیات خرابکارانه بر ضد منافع آن کشور است و رئیس موساد مستقیما زیر نظر نخست وزیر فعالیت می کند تا سال ۱۹۹۶ هویت مدیر موساد مخفی بود ولی از آن به بعد اسراییل به تدریج آن را معرفی کرده است ماموریت شاباک مشابه ماموریت های موساد است با این تفاوت که شاباک در داخل اسراییل و اراضی اشغالی فعالیت می کند . شاباک سازمانی است که بیشترین فعالیت را در زمینه مبارزه با انتفاضه و متوقف ساختن عملیات مقاومت در داخل اراضی اسراییل دارد و تاکنون عملیات ترور فعالان فلسطینی را در طول انتفاضه به صورت انفرادی و یا با همکاری اطلاعات نظامی به انجام رسانده است.(جنتی، ۱۳۸۴: ۱۷۴–۱۷۵).

بدون شک نقاط قوت ارتش اسرائیل بسیار بیشتر از نقاط ضعف آن است. این ارتش همچنان در تلاش است تا برتری کیفی خود را در زمینه نیروی انسانی و تسلیحات حفظ کند و به برکت حمایت های نامحدود آمریکا و پراکندگی اعراب، توازن قوا در منطقه خاورمیانه همچنان به نفع آن کشور رقم می خورد. همچنان که صنایع نظامی و الکترونیکی اسرائیل در حال پیشرفت بوده و انتظار می رود پس از پایان مرحله واگذاری آنها به بخش خصوصی، فعالیت آنها افزایش یابد. رشد صنایع نظامی اسرائیل و دستیابی به خودکفایی ممکن است موجب استقلال بیشتر آن کشور از سیاست های آمریکا گردد.

به طور خلاصه می توان گفت اسرائیل تا حد زیادی بی نیاز از خدمات سیستم های هشداردهنده آمریکایی است و امروز می تواند هر هدفی را که بخواهد، ردیابی کند و بدون آگاهی و اطلاع واشنگتن برنامه ریزی نماید. تلاش اسرائیل برای توسعه سلاح های غیرمرگبار، به آن کشور امکان خواهد داد تا تظاهرات و جنبش های عصیان مدنی را بدون وارد آوردن تلفات زیاد که موجب تهییج افکار عمومی جهان بر ضد آن کشور شود سرکوب نماید؛ همچنان که در هر دو انتفاضه به ویژه انتفاضه اول رخ داد. اسرائیل تنها کشور هسته ای منطقه می باشد و همچنان قوی ترین سلاح بازدارنده را در اختیار دارد تا بتواند خطرها و تهدیدهای استراتژیک یا خطر نابودی آن کشور را در آینده دفع کند.

اما چالش ها و آسیب های ارتش اسرائیل عبارتند است از:

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

۱. سوء هاضمه و بیماری ساختاری که ارتش چه در راس و چه در بدنه از آن رنج می برد. در سال ۲۰۰۰ و به امید کاهش توسعه بوروکراسی و دوگانگی و تداخل وظایف که ماموریت ها و فعالیت بخش های مختلف ارتش را دچار مشکل کرده بود، در تشکیلات فرماندهی ستاد، تجدید نظرشد.(http://www.idf.il/english) البته ارزیابی میزان موفقیت این اقدام نیاز به زمان دارد. اما در بدنه ارتش، ادامه اتکای اسرائیل به سیاست سربازگیری گسترده به منظور تامین اهداف ایدئولوژیک، به ناچار با انقلاب تکنولوژیک در امور نظامی که ایجاب می کند تعداد سربازان در ارتش اسرائیل کاهش یابد در تعارض خواهد بود، همچنانکه در ارتش های غربی این اتفاق رخ داده است. به اعتقاد وان کریولد، عدم تبدیل ارتش اسرائیل به ارتشی که بیشتر نیروهای آن داوطلبان حرفه ای باشند، به توان رزمی آن لطمه خواهد زد.(وان کریولد، ۲۰۰۹: ۳۳۸-۳۲۰)[1]

۲. نقطه ضعف و چالش جدی دیگر سازمان نظامی اسرائیل، جنبش های مقاومت در سرزمین های اشغالی است که ارتش از کنترل آن عاجز بوده است و این امر همچنان چهره ارتش اسرائیل را در صحنه تبلیغات بین المللی خدشه دار ساخته، روحیه سربازان آن درهم ریخته و موجب گسترش تمرد در ارتش شده است.

۳. فرآیند صلح یکی از پدیده های منفی برای این ارتش بود و تاثیر فراوانی بر توان رزمی و بودجه دفاعی آن داشت. شاید همین امر موجب رشد مخالفت بیشتر ژنرال های اسرائیلی و تصمیم سازان آن کشور با فرآیند صلح باشد، اما نقطه ضعف مهم تری که اسرائیل نتوانسته است بر آن فائق آید قدرت عظیم انسانی کشورهای عربی و مسلمان است. نیروی انسانی همچنان عامل مهمی در توازن قوا محسوب می شود به ویژه انکه تعدای از کشورهای مسلمان، پیشرفت های قابل ملاحظه ای نیز در راه توسعه فناوری احراز کرده اند.

دستیابی کشورهای عربی و مسلمان به سطح مطلوبی از توسعه تکنولوزیک، تنها نیاز به زمان دارد و در آن زمان شکافی که از نظر برتری کیفی با اسرائیل وجود دارد، پر خواهد شد. همچنان که برتری کمی اعراب و مسلمانان، ظرفیت تولید بیشتر و سریع تری را برای آنان تامین خواهد کرد و به آنان امکان می دهد که بیش از توان اسرائیل به مدت طولانی تری در یک جنگ فرسایشی وارد شوند، زیرا اسرائیل همواره تلاش می کند جنگ را در

1. Van creveld

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

اسرع وقت به پایان برساند و بالاخره می توان گفت که اسرائیل نخواهد توانست برای مدت طولانی استقلال کامل از ایالات متحده پیدا کند حتی در صورتی که کارخانجات اسرائیل، همه نیازهای ارتش را تامین کنند، زیرا اسرائیل نیاز مبرم به کمک های مالی سالیانه واشنگتن دارد. بنابراین تحرکات نظامی اسرائیل تا حد زیادی در معرض تاثیر فشارهای آمریکا خواهد بود.

۳-۳-۳ توسعه سیاسی

در ابتدای تشکیل دولت صهیونیستی، اسراییل تلاش می کرد تا با محاصره نظامی و سیاسی اعراب مجاور و تشویق یهودیان برای اسکان در مناطق اشغالی، توسط کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شود و روابط خود را با امریکا تقویت کند این رژیم در سال ۱۹۴۹ یک سال پس از تشکیل , به عضویت سازمان ملل درآمد. در طول دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی و همچنین بعد از پایان جنگ سرد این دولت تلاش زیادی را برای گسترش روابط سیاسی با کشورهای دیگر به عمل آورد. سیاست خارجی اسراییل را می توان به سه دوره تقسیم کرد مرحله اول از زمان تاسیس تا اواخر دهه ۶۰ میلادی است که این رژیم به دنبال افزایش تعداد کشورهایی است که مشروعیت دولت جدید اسراییل را پذیرفته اند. علاوه بر این, در این دوره تلاش شد تا با محاصره نظامی و سیاسی کشورهای عربی اطرافش, ورود یهودیان به سرزمین های اشغالی را افزایش دهد.

در مرحله دوم که در دهه ۶۰ تا ۸۰ میلادی ادامه داشت تمرکز این اسراییل بر روی مسایل دیپلماتیک بود تا بتواند در سازمان ها و محافل بین المللی با فعالیت های کشورهای عربی ضد اسراییل مقابله کند در مرحله سوم نیز که از پایان جنگ سرد شروع شده است این رژیم به دنبال افزایش روابط دیپلماتیک با کشورهای بزرگ و ایجاد پیمان های جدید بوده است. رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیس تا کنون اهمیت زیادی برای روابط سیاسی خود با کشورهای دیگر قائل بود. علت این امر نیز واضح است این رژیم تلاش می کند تا با استفاده از این روابط به تاسیس دولت خود در سرزمین دولت دیگر مشروعیت ببخشد.

اسرائیل همواره تلاش کرده است تا با برگزاری کنفرانس ها و گفتگوهای مختلف شدت انتقادات علیه خود را کاهش دهد در سالهای ابتدایی تشکیل , اسراییل هیچ موضع سیاسی به نفع یا ضرر قدرت های بزرگ اتخاذ نکرد و به همین دلیل توانست کمک های مادی زیادی را از کشورهای غربی و همچنین شرق اروپا دریافت کند. موشه شارت، اولین وزیر خارجه و

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

دومین نخست وزیر اسراییل نیز اعلام کرده بود که اسراییل نباید در جنگ سرد بر له یا علیه کشوری (روسیه یا امریکا) موضع گیری کند , اما در پایان سال ۱۹۵۰ بن گوریون نخست وزیر وقت اسراییل وارد پیمان مشترک نظامی با امریکا و متحدانش شد و امریکا نیز اعلام کرد که با هر گونه تجاوز شوروی به اسراییل مقابله خواهد کرد با آغاز جنگ کره , چاره ای نمانده بود که اسراییل در مورد جنگ سرد موضعی را اتخاذ کند و شکی نبود که این رژیم در طرفداری از امریکا و انگلیس تردید نخواهد کرد. تمامی مطالب گفته شده نشان می دهد که این رژیم تا چه میزان به روابط سیاسی با کشورهای دیگر , به ویژه قدرت های بزرگ اهمیت می دهد این رژیم تلاش می کند تا با استفاده از این روابط جایگاه سیاسی خود را در سطح بین المللی بالا برده و دولت خود مشروعیت دهد (ابویوسف ۲۰۱۴ : ۱۱)

رژیم صهیونیستی با برگزاری انتخابات، ادعای دموکراسی کرده و خود را تنها دولت دموکراتیک خاورمیانه می داند . این در حالی است که در مناطق عرب نشین و همچنین در برخورد با نمایندگان عرب کنست, روحییه توتالیتر رژیم را می توان به وضوح مشاهده نمود آخرین مثال از موارد متعدد این دیکتاتوری , محرومیت ۳ نفر از اعضای حزب بلد از شرکت در جلسات کنست است که صرفا به دلیل بازدید آنها از خانواده شهدای فلسطین انجام شد.(پیلگل، ۲۰۱۶: ۹۸)[1]

دومین مشکل درون سیستمی اسرائیل که از آن می توان به مشکل سیاسی –نظامی تعبیر کرد، جنگسالار بودن این رژیم است بدین معنی که قدرت نظامیان در طول تاریخ تشکیل این رژیم درتمام عرصه ها تاثیرگذار بوده و تنها دوکابینه در طول عمر این رژیم تشکیل گردیده که رهبران آن را غیرنظامیان و به عبارت دقیقتر سیاسیون تشکیل داده اند که اولین آن شیمون پرز است که در سالهای ۱۹۹۶–۱۹۹۵متصدی پست نخست وزیری شد(البته وی در آن هنگام معاون اول اسحاق رابین بوده است که بدلیل ترور وی بدست یک جوان افراطی به نام ایگال عمیر قانونا وظیفه تصدی این پست را برعهده گرفت) و دومین آنها هم ایهود اولمرت رهبر سابق حزب کادیما و نخست وزیر اسبق اسرائیل است که وی هم بدلیل سکته مغزی ناگهانی آریل شارون توانست در انتخابات درون حزبی بر رقبای خود منجمله شائول موفاز (وزیر دفاع سابق اسرائیل)، پیروز گردد و این پست را احراز کند. واضح است که این امر مخالفت

1. Pileggl

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

نظامیان را بدلیل هم سنخ نبودن با آنها بر می انگیزد، این امر زمانی به شدت بحرانزا می گردد که اسرائیل با یک تصمیم صرفا سیاسی تن به جنگی دهد که در آن جنگ هم شکست بخورد و عملا سیاسیون را در مقابل نظامیون قرار دهد و آنها همدیگر را به بی کفایتی وخیانت متهم کنند و این در واقع یکی از عمده ترین مشکلات دولت کنونی پس از نبردهای ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ... است.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

۴. نتیجه‌گیری

به نظر می رسد که رژیم صهیونیستی در تکمیل فرآیند دولت ـ ملت سازی با دو چالش عمده در شاخص های اشباع سرزمینی و یکپارچگی و همبستگی ملی دست به گریبان بوده که این چالش ها، بقاء و ادامه حیات این بازیگر را زیر سوال برده است.

در بررسی شاخص اشباع سرزمینی این نتیجه حاصل شد که امنیت ملی رژیم صهیونیستی تحت تأثیر منفی عامل جغرافیای سیاسی قرار گرفته است وسعت کم و شکل نامناسب اسرائیل باعث شده تا این رژیم از داشتن عمق استراتژیک در درون سرزمین اشغالی محروم باشد. وسعت کم و شرایط ژئواستراتژیکی نامناسب ضمن آنکه فرصت حمله سریع و اشغال اسرائیل (سرزمین های اشغالی) را در اختیار همسایگان قرار می دهد، آن را در برابر حملات غافلگیرانه و سریع غیر قابل دفاع می کند. از سوی دیگر ویژگی تصنعی و تحمیلی بودن، اسرائیل را به عضوی غیر عادی و ناسازگار با دیگر کشورهای منطقه و مجموعه دولت هایی که در یک منطقه و در کنار هم به سر می برند، تبدیل کرده است. از این رو رژیم صهیونیستی نتوانسته خود را با محیطی که در آن به سر می برد منطبق کند و به عضو سازگار با سایر اعضا و اجزای نظام منطقه ای تبدیل شود.

اسرائیل از منظر دومین شاخص یعنی یکپارچگی و همبستگی ملی نیز در وضعیت بسیار شکننده و متزلزلی قرار دارد. اسراییل اکنون در پهنه درونی با شکاف‌ها و ستیزه‌های اجتماعی و طبقاتی و در پهنه منطقه‌ای و بین‌المللی با دگرسازی‌ها و خصومت‌سازی‌های شدید و فراوانی روبه‌رو است. این موارد به اندازه‌ای پررنگ و جدی هستند که در درازمدت حتی می‌توانند ارکان این جامعه سیاسی را نابود نمایند. همانطور که به تفصیل اشاره شد، شکاف‌های موجود در جامعه‌ی صهیونیستی عمدتاً منجر به تقویت یکدیگر می‌شوند؛ به این معنا که مثلاً شکاف بین یهودیان میزراحی و اشکنازی، صرفاً شکافی زبانی یا فرهنگی نیست، بلکه این شکاف فرهنگی در چارچوب دولت اسرائیل منجر به ایجاد شکاف‌های دیگری چون شکاف سیاسی، شکاف اقتصادی و شکاف طبقاتی شده است.

در بررسی شاخص ثبات سیاسی، سه حوزه اقتصاد، سیاست و ارتش بررسی شد. در زمینه مشکلات اقتصادی، رانتیر بودن دولت و وابستگی اقتصادی این رژیم به آمریکا(النقیب، ۱۳۸۳: ۵۸)، بحران انرژی و کم آبی، بی ثباتی مکرر بر اثر جنگ ها و عملیات های نظامی پی در پی

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

و نیز سرایت امواج آزادی خواهانه به درون مرزهای اسرائیل نظیر انتفاضه مسجدالاقصی و عدم گذار اسرائیل از مرحله امنیتی به اقتصادی و افزایش هزینه های نظامی به دلیل تهدیدهای امنیتی اشاره کرد که رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی را با اختلال جدی روبرو ساخته است.
در زمینه آسیب های سیاسی اسرائیل، این رژیم با مسائلی همچون آسیب های نظام انتخاباتی، ناکامی در نهایی کردن حلقه ارتباط سیاسی با همسایگان خود به عنوان واحدهای سیاسی مجاور، طبقاتی شدن رقابت های سیاسی در اسرائیل و نفوذ طبقه نظامیان در دستگاه دولتی و تشکیل دولت پادگانی و بحران مشروعیت روبروست.
ارتش اسرائیل اگرچه از توانمندی های بسیاری برخوردار است، اما با چالش هایی جدی از جمله حضور نیروهای جهادی اسلام گرا در نزدیکی قلب سرزمینی این رژیم، آسیب های جدی در ساختار و بافت نیروی انسانی ارتش، قدرت یافتن گفتمان انقلاب اسلامی و امواج بیداری اسلامی و دستیابی ایران به فناوری هسته ای مواجه است.
با توجه به جمیع مطالب مطروحه می توان نتیجه گرفت که تکمیل فرآیند دولت – ملت سازی و در نتیجه بقاء و ادامه حیات اسرائیل با چالش هایی حل نشدنی و عمیق روبروست.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

منابع فارسی

۱. ابو حسنهٔ، نافذهٔ. ۱۳۸۲. «کالبد شکافی جامعه صهیونیستی در فلسطین اشغالی»، اندیشه سازان نور، تهران.

۲. ابوحسنه، نافذ، ۱۳۸۹. «دیندارها و سکولارها در جامعه اسرائیل»، ترجمه سید حسین موسوی، مرکز انتشارات علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران.

۳. ابطحی و ترابی، ۱۳۹۶/۱۰، دولت ملت سازی در جهان اسلام و سیاست جهانی آمریکا در دوران معاصر، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۵۳-۲۷

۴. ابراهیم نیای، محمد و اسماعیلی زاده، عباس، ۱۳۹۷، واکاوی مبانی قرآنی نظر امام خمینی درباره غده سرطانی بودن اسرائیل، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

۵ احمدوند، شجاع و جعفر رجبی قره قشلاقی. ۱۳۸۹. «شکاف¬های اجتماعی و امنیت ملی در اسرائیل»، فصلنامه بین-المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۰۵-۷۳.

۶. احمدی، محمد، ۱۳۸۷. «پژوهه صهیونیت»، مرکز مطالعات فلسطین، کتاب اول، تهران.

۷. احمدی، محمد، ۱۳۸۷. «پژوهه صهیونیت»، مرکز مطالعات فلسطین، کتاب دوم، تهران.

۸. بشیریه، حسین. ۱۳۷۴. «جامعه¬شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی»، نشر نی، تهران.

۹. بشیریه، حسین، حسین قاضیان. ۱۳۸۰. «بررسی تحلیلی مفهوم شکاف¬های اجتماعی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۰.

۱۰. حسینی، سید اصغر، ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲،شناخت ماهیت رژیم اشغالگر قدس و پیامدهای امنیتی آن برای ج.ا.ا.، س.م.س، پژوهشکده علوم دفاعی.

۱۱. درخشه، جلال، ۱۳۹۴. چالش های ساختاری اسرائیل با تاکید بر چالش های فرهنگی و اجتماعی. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.

۱۲. رستمی، علی اکبر- صهیونیسم و رویای امپراطوری جهانی،۱۳۸۴، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه،

۱۳. صفا تاج مجید، ۱۳۸۶، دانشنامه فلسطین جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴. عبداللهی اسماعیل، ۱۳۸۱ برآورد استراتژیک رژیم صهیونیستی،جلد اول،موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

۱۵. عبدالعالی، عبدالقادر. ۱۳۹۱. «رژیم اسرائیل و گسست¬های سیاسی-اجتماعی آن»، ترجمه محمد خواجویی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین¬المللی ابرار معاصر، تهران.

۱۶. قوام عبدالعلی، زرگر افشین، ۱۳۸۸، دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل:چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت – ملت ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱۷. نوریس، پیپا. ۱۳۸۸. «جامعه شناسی سیاسی شکاف¬های اجتماعی (بررسی های موردی)»، ترجمه پرویز دلیرپور و علیرضا سمیعی اصفهانی، نشر کویر، تهران.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

۱۸. نجیب الرئیس ریاض، مترجم: فرزانه حمید،۱۳۵۷، راه دشوار مقاومت فلسطین، تهران.

منابع عربی:

۱. أدیب، أودی [و آخرون]. ۲۰۰۳. الیهود الشرقیون فی إسرائیل: الواقع و احتمالات المستقبل. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
۲. المسیری، عبدالوهاب. ۱۹۷۵. «الیهودیهٔ و الصهیونیهٔ و إسرائیل»، بیروت، المؤسسه العربیهٔ للدراسات و النشر.
۳. المسیری، عبدالوهاب. ۲۰۰۲. «من هو الیهودی؟» القاهرهٔ، دارالشروق.
۴. المسیری، عبدالوهاب ، الأستعمار الصهیونی و تطبیع الشخصیهٔ الیهودیهٔ، دراسات فی بعض المفاهیم الصهیونیهٔ و الممارسات الأسرائیلیهٔ، موسسه پژوهشهای عرب، بیروت، چاپ اول،۱۹۹۰.

منابع لاتین:

1. Agasy, Yousel 1991. “Who is Israeli?” Rohovot Press.
2. AL-HAJ, MAJID. 2004. “IMMIGRATION AND ETHNIC FORMATION IN A DEEPLY DIVIDED SOCIETY: The Case of the 1990s Immigrants from the Former Soviet Union in Israel”, Brill, the Netherlands.
3. As’ad Ghanem, “Ethnic Politics in Israel; The Margins and the Ashkenazi center”, Routledge, London and NewYork, 2010.
4. Ben-Pora, Guy [And Others]. 2008. “Israel since 1980”, Cambridge University Press, NewYork.
5. Ben-Rafael, Eliezer and Stephen Sharot. 1991. “Ethnicity, Religion and Class in Israeli Society”, Cambridge University Press.
6. Ben-Rafael, Eliezer and Yochanan peres, 2005. “Is Israel one? Religion, nationalism, and multiculturalism confounded”, Brill, Boston.
7. Ben-Rafael, Eliezer, 2002. “Jewish Identities; Fifty Intellectuals Answer ben Gurion”, Brill, The Netherlands.
8. Dahrendorf, Raif. 1959. “Class and Class Conflict in Industrial Society”, Stanford university Press.
9. Daniel Magalotti, 2009. “Political Discrimination Against Arab Citizens of Israel “, The Jerusalem Fund.
10. Donna Rosenthal, “The Israelis; Ordinary People In an Extraordinary Land”,Free Press, 2008
11. Ghanem, As’ad, 2010. “Ethnic politics in Israel; The margins and the Ashkenazi center”,

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

Routledge, NewYork.

12. Ghanem, As'ad, Nadim Rouhana and Oren Yiftachel. 1999. "Questioning 'Ethnic Democracy': A Response to Sammy Smooha", Israel Studies. No. 3.
13. Hazan, Reuven Y. and Gideon Rahat. "Representation, Electoral Reform and Democracy: Theoretical and Empirical lessons from the 1996 Elections in Israel", Comparative Political Studies: Vol. 33, No. 10, December 2000.
14. Jamal, Amal. 2002. "Beyond 'Ethnic Democracy': State Structure, Multicultural Conflict and Differentiated Citizenship in Israel", New Political Science, Vol 24, No. 3, 2002.
15. Jones, Clive and Emma C Murphy, 2002. "Israel Challenges to Identity, Democracy and State, Routledge, NewYork.
16. Lipset, Seymour M., Rokkan Stein. 1967. "Party Systems and vote, Alignment: Cross-nationalPerspective", New York, Free Press.
17. Moshe Sharabi, "Ethnicity, Ethnic Conflict and Work Values: the Case of Jews and Arabs in Israel", Journal of Peace, Conflict and Development, Issue 15, March 2010.
18. Rahami, Sawsan; Israel's discrimination against its Arab Citizens; Middle East Monitor, June 2010.
19. Ram, Uri. 1995. "The Changing Agenda of Israeli Sociology: Theory, Ideology, and Identity", SUNY Series in Israeli Studies, State University of New York Press.
20. Shafir, Gershon and Yoav Peled. 2002. "Being Israeli: The Dynamics of Multiple Citizenship", Cambridge: Cambridge University Press.
21. Shahak, Israel and Norton Mezvinsky, 2004. "Jewish fundamentalism in Israel",Pluto Press.
22. Shany Payes, The Politics of Civil Society: Palestinian NGO's in Israel, I.B Tauris Publisher, NewYork, 2005.
23. Smooha, Sammy, 2000. "The Regime of the State of Israel: Civil Democracy, Non-Democrcy or Ethnic Democracy" Israeli Sociology, Vol. 2, No. 2, PP. 565-630.
24. Smooha, Sammy. 1976. "Ethnic stratification and Allegiance in Israel: Where do Jews Belong?" Politico: Vol 14, No.4. 1976.
25. Smooha,Sammy, 1990, "Minority Status in an Ethnic Democracy: the Status of the Arab Minority in Israel", Ethnic and Racial Studies 13(3): 389-412

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]

26. Smooha, Sammy. 1997. “Ethnic Democracy: Israel as an Archtype”, Israel Studies, No. 2. 198-241.

27. Smooha, Sammy, “The Model of Ethnic Democracy,” ECMIWorking Paper, European Centre for Minority Issues, Germany, October 2001.

28. Yaish, Meir. “Class Structure in a Deeply Divided Society: Class and Ethnic Inequality in Israel, 1974-1991” British Journal of Sociology, Vol. no. 52, September 2001.

29. Yiftachel, Oren. 2000. “Minority Protest and the Emergence of Ethnic Regionalism: Palestinian-Arabs in the Israeli ‘Ethnocracy” In : Ben-Ami, Shlomo And Yoav Peled and

30. Spektorowski, Alberto. 2002. “Ethnic Challenges to the Modern Nation State”, Macmillan Press LTD. Britain.

31. Yiftachel, Oren. 2006. “Ethnocracy: Lands and the Politics of Identity Israel/Palestine”, in: Eric Kaufmann, “Rethinking Ethnincity”London, Routledge.

32. Zeigler, Donald j. 2007. “Israel”, Chelsea House Publisher, NewYork.

33. Zohar, Zvi M. 1997. “Sephardic Religious Thought in Israel: Aspects of the Theology of Rabbi Haim David HaLevi” In: Avruch, Kevin and Walter P. Zenner. 1997. “Critical Essays on Israeli Society, Religion, and Government”, Books on Israel, Volume IV , State University of New York Press

34. Yiftachel, Oren. 2006, “Ethnocracy: lands and the Politics of Identity Israel/Palestine”. Philadelphia: The University of Pennsylvania Press.

وب سایت اینترنتی:

1. http://www.idf.il/

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

طیرانی‌شعرباف، محمد رضا؛ درخشه، جلال (۱۳۹۹)، «فرآیند دولت– ملت سازی در اسرائیل؛ چالشی در مسیر ماندگاری و بقاء» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۲، تابستان ۹۹، صص ۲۹–۱.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.4.7]